

تاریخچه طنز در رسانه‌های افغانستان؛ از آغاز تا سقوط جمهوری اسلامی

اعظم راودراد*، زهره علیخانی، انصارالله عمری

گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله مروری موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: افغانستان تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳	طنز، در کنار گونه‌های خبری و تحلیلی، یکی از گونه‌های مهمی است که در رسانه‌های افغانستان در طول تاریخ به‌وفور از آن استفاده شده است. با آنکه پژوهشگران درباره طنز پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، تاکنون پیشینه طنز در رسانه‌های افغانستان به‌طور مستقل مطالعه نشده است. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و نظری، به پیشینه طنز در رسانه‌های افغانستان پرداخته‌ایم تا خلأ پژوهشی در این عرصه را تا حدودی پر کرده باشیم و راه را برای مطالعات طنز هموارتر کنیم. در این مطالعه، طنز زیرمجموعه شوخ‌طبعی در نظر گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از طنز در رسانه‌های افغانستان قدمتی بیش از صد سال و نسبت وثیقی با امر سیاسی دارد. این صد سال به هشت دوره تقسیم شده است: ظهور رگه‌های طنز در مطبوعات افغانستان؛ دوره مطبوعات مبتنی بر قانون و رشد اولیه طنز؛ دوره بحران و رکود مطبوعات و خشک شدن رگه‌های طنز؛ دوره بالندگی طنز و ظهور آن به‌عنوان گونه‌ای مستقل؛ دوره خاموشی طنز؛ دوره دگرگونی طنز و ظهور آن در رادیو و تلویزیون؛ دوره پنهانی و غربت طنز؛ و عصر طلایی و فصلی تازه برای طنز.

ارجاع به این مقاله: راودراد، علیخانی ز، عمری ا. (۱۴۰۴). «تاریخچه طنز در رسانه‌های افغانستان؛ از آغاز تا سقوط جمهوری اسلامی». مطالعات کشورها. ۳(۳): ۵۸۳-۶۱۲. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.390211.1246>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: ✉ ravadrada@ut.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-7634-0816>

۱. مقدمه و طرح مسئله

رسانه در افغانستان بیش از ۱۵۰ سال عمر دارد. به‌طور مشخص‌تر، از عمر مطبوعات ۱۵۱ سال، سینما ۱۰۱ سال، رادیو ۸۵ سال و تلویزیون ۴۷ سال می‌گذرد. رسانه‌های افغانستان در این یک‌ونیم قرن، تاریخی پُرفرازونشیب را طی کرده‌اند. در دوره‌های مختلف برخی نظام‌ها بر دروازه مطبوعات قفل زدند، گلوئی رادیو را خفه و چشم تلویزیون را کور ساختند، در سینما را بستند و در مواردی حتی ساختمان‌ش را تخریب کردند و حلقه‌های فیلم را سوزاندند. برخی دیگر، برای اهداف ایدئولوژیکی از آن‌ها بهره بردند و برخی هم، چنان افسار آن‌ها را رها گذاشتند تا هرکسی بر زین آن بنشیند و برای اهداف شخصی از آن استفاده کند. بر این اساس، معمولاً زندگی رسانه‌های افغانستان بین استبداد مطلق، استبداد حداکثری، استفاده ایدئولوژیکی، آزادی نسبی و آزادی حداکثری در نوسان بوده است.

باین‌حال، رسانه‌های افغانستان در طول تاریخ وظیفه یا کارکرد اصلی و سنتی خود را از یاد نبرده‌اند که همان اطلاع‌دهی، آموزش‌دهی، سرگرمی و تبلیغ است. محتوای انتقادی و سرگرمی رسلنه‌های این کشور معمولاً در قالب «شوخ‌طبعی» یا «طنز» تهیه و نشر شده است و به‌نظر می‌رسد که از شروع انتشار سرج/اخبار/فغانیه تا اکنون جزئی مهم و پرمخاطب از گونه‌های آن بوده است.

شوخ‌طبعی و طنز بخش مهمی از هر فرهنگ است که در تمام فرهنگ‌ها حضور دارد و بخش بزرگی از ادبیات و تعامل اجتماعی ما را به‌خود اختصاص داده است (Howe, 2002: 252). در هر فرهنگی، اهمیت، درک، قدردانی و به‌اشتراک‌گذاری طنز در سه سطح آشکار می‌شود: خرد تعامل؛ گروه‌بندی‌های قومی، ملی و اجتماعی؛ و سطح جهانی (Davis & Fiadotava, 2024: 191). بر این اساس، شوخ‌طبعی و طنز دو ویژگی مهم و اساسی دارد. نخستین ویژگی، عام‌بودن آن است؛ به این معنا که طنز جهان‌شمول یا پدیده‌ای جهانی است (رضی‌پور، ۱۴۰۰: ۳؛ برگر، ۱۴۰۲: ۲۱؛ Venkatesan et al., 2023: 3073) و در تمام فرهنگ‌ها خندیدن عمل فردی و اجتماعی پذیرفته‌شده‌ای است. دومین ویژگی، خاص‌بودن آن است؛ به این معنا که طنز وابسته به محیط و بستر اجتماعی است، چراکه هر شوخی‌ای با توجه به بستر جغرافیایی خود معنا پیدا می‌کند (رضی‌پور، ۱۴۰۰: ۳؛ برگر، ۱۴۰۲: ۲۱).

برخی دو دلیل عمده را برای غفلت از طنز در جریان مطالعات دانشگاهی

مطرح کرده‌اند. نخست اینکه برخی پژوهشگران ممکن است از اساس، به دلیل سرشت غیرجیدی طنز و ارتباط آن با سرگرمی و شادی، آن را برای موضوع تحقیق علمی، جدی نگیرند (مارتین، ۱۳۹۷: ۶۶؛ Strick & Ford, 2021: 10). دلیل احتمالی دوم را می‌توان مبهم‌بودن محض این پدیده برای تحقیق و مطالعه دانست (مارتین، ۱۳۹۷: ۶۷).

از طرفی، لاکیر و پیکرینگ سه دلیل را برای جدی گرفتن شوخ‌طبعی و طنز با هدف ارزیابی محتوای آن پیشنهاد می‌کنند. مهم‌ترین آن این است که طنز از روابط اجتماعی جدایی‌ناپذیر است و در بسیاری از زمینه‌ها ممکن است به جایگاه اجتماعی افراد یا به‌طور عمیق، به روابط و تعامل بین افراد در درون گروه‌های مختلف اجتماعی مرتبط باشد و به آن آسیب هم برساند (Lockyer & Pickering, 2008: 809).

اودمارک بر این نظر است که نه‌تنها طنز ابزاری محبوب برای تفسیرهای اجتماعی در طول تاریخ بوده است، بلکه ادعاهایی وجود دارد که دوران کنونی «عصر طلایی» طنز است (Ödmark, 2023: 1170). طنز در عصر حاضر، دانشی بشردوستانه و مهم‌ترین هدف آن رهاسازی بشر از ظلم و سلطه و رساندن افراد به خودآگاهی است (رضی‌پور، ۱۴۰۰: ۴). صدر (۱۳۹۵: ۴۶) نیز طنز را در خدمت آگاهی انتقادی می‌داند و نه طغیان بر ضد جریان‌ها و ساختارها. وی در ادامه بیان می‌کند که «شاید به‌طور تاریخی ما طنز را این‌گونه فهمیدیم که طنز نوعی طغیان و اعتراض به ساختارها و فساد و تباهی و کاستی‌هاست».

تاریخ خاص و پر از فرازونشیب افغانستان و رسانه‌های آن، و ارتباطی که مردم و فرهنگ عامه با طنز برقرار کرده‌اند، و کارکردها و کژکارکردهای طنز اهمیت توجه به آن را دوچندان می‌کند. به این ترتیب، مطالعه تاریخچه طنز مهم است و ما را در عبور از نگاه طغیانگری به طنز به نگاه استفاده از آن در خدمت خودآگاهی و آگاهی انتقادی هدایت می‌کند. بنابراین، در این پژوهش، نه‌تنها در صدد پرکردن بخشی از این خلأ پژوهشی بوده‌ایم، بلکه هدف این بوده است تا تاریخچه طنز را در رسانه به‌طور یکپارچه توضیح دهیم و نیز به این پرسش پاسخ دهیم که طنز و شوخ‌طبعی در طول ۱۱۰ سال در رسانه‌های افغانستان چه تاریخی را پشت سر گذاشته است.

دلیل اهمیت این موضوع در جامعه ایران این است که به دلیل فارسی‌زبان بودن هر دو کشور، امکان اثرگذاری متقابل بین رسانه‌های دو کشور ایران و

افغانستان وجود دارد. البته، نباید جوامع دور از وطن (دیسپورای) افغانستانی‌ها و حضور مهاجران افغانستانی را در جامعه ایران نادیده گرفت، چراکه بخشی از مخاطبان برنامه‌های طنز رسانه‌های افغانستان را مهاجران مقیم ایران تشکیل می‌دهند. بنابراین، بخشی از اهمیت موضوع برای جامعه ایران به این دلیل است که افغانستانی‌های مقیم ایران بخشی از مخاطبان این برنامه‌ها هستند و امکان اثرگذاری متقابل رسانه‌های دو کشور بر یکدیگر را نباید نادیده گرفت.

۲. پیشینه

طنز در رسانه‌های افغانستان، به‌ویژه تاریخچه آن در پژوهش‌های گذشته، کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. پژوهش‌های گذشته درباره طنز در افغانستان بیشتر بر بحث ادبیات و طنز و در مواردی بر روش‌های طنزنویسی متمرکز بوده است. برخی پژوهشگران در کتاب‌های تاریخ روزنامه‌نگاری، درباره پیشینه آن به‌طور اندک و پراکنده‌ای بحث کرده‌اند. به‌طور مثال، آهنگ (۱۳۸۱) به معرفی انواع و روش‌های طنزنویسی می‌پردازد. در کتاب‌های دیگرش نیز (۱۳۸۰ و ۱۳۸۸) به‌طور پراکنده به تاریخ طنز توجه کرده است. افرادی همچون نورانی (۱۳۸۴) و باختری (۱۳۸۸)، ضمن اینکه طنز را با تمرکز بر ادبیات فارسی/ دری به بحث می‌گیرند، در مواردی شگردهای طنزنویسی و در اندک مواردی، به‌صورت پراکنده تاریخ طنز را مطالعه کرده‌اند. همچنین، تنویر (۱۳۷۸)، عصمت‌اللهی (۱۳۸۲)، نادری (۱۳۸۵)؛ رهین (۱۳۹۱) و حمیدی‌رسا (۱۳۹۵) از کسانی هستند که معمولاً آثاری مرتبط با روزنامه‌نگاری و تاریخ روزنامه‌نگاری افغانستان دارند و در آثار خود درباره طنز و پیشینه آن دسته‌وگریخته توضیح داده‌اند.

با آنکه در این پژوهش از منابع در دسترس برای مطالعه طنز در رسانه‌های افغانستان استفاده شده است، از این نگاه با پژوهش‌های پیشین متفاوت است که به‌طور مشخص به تاریخچه طنز در رسانه‌های افغانستان پرداخته‌ایم.

۳. مفاهیم

۱.۳. شوخ‌طبعی چیست؟

اساسی‌ترین مشکل برای کار با مفهوم شوخ‌طبعی^۱ و طنز^۲ این است که درباره

1. humor

2. satire

مفاهیم و اصطلاحات کلی این حوزه در میان اکثر پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد (کشاورز، ۱۴۰۲: ۸۲) و در بیشتر موارد مفاهیم مرتبط به طنز و شوخ طبعی به جای همدیگر استفاده شده است. نورانی (۱۳۸۸: ۲۲۸) این مغالطه را به سه دلیل ربط می دهد: «وجود عناصر ساختاری مشترک مانند انتقاد و خنده؛ روش ها و شگردهای مشترک؛ و در نهایت نویسنده واحدی که گونه های مختلف شوخ طبعی را می آفریند.» به علاوه میان پژوهشگران حوزه شوخ طبعی و طنز درباره اینکه کدامیک از واژه ها چترواژه است نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ به طور مثال، نیجهولت طنز را چترواژه می داند و بر این باور است که طنز و شوخ طبعی دو اصطلاحی هستند که با هم هم پوشانی دارند و طنز به تدریج به اصطلاح به چتر تبدیل شده است (Nijholt, 2018: 11). سندرا و همکاران نیز شوخ طبعی را زیرشاخه طنز معرفی می کنند (Cendra et al., 2019: 44). سلیمی (۱۳۹۹: ۲۵) نیز بر این عقیده است که «طنز در معنای عام خود، طیف وسیعی از اصطلاحات و قالب های هنری مانند هزل، فکاهه، لطیفه، کمدی را شامل می شود.»

در طرف مقابل، به نظر کسانی چون کشاورز (۱۴۰۲: ۸۲)، «شوخ طبعی را باید یک نظام معنایی کلی یا یک چترواژه دانست که معناها و مفاهیم مرتبط با آن از جمله طنز، هجو، هزل، مطایبه، بنله، لطیفه، فکاهه، کاریکلماتور، کمدی و... معمولاً حول کنش انسانی خنده تبیین می شوند.» رضی پور (۱۴۰۰: ۷) نیز طنز را یکی از صورت های شوخ طبعی معرفی می کند. نصرافهانی (۱۴۰۱: ۲۱) نیز بر این نظر است که «شوخ طبعی واژه جامع و فراگیری است که همه ی انواع ادبی و شوخ طبعانه و نیز همه شگردهای طنزآوری را شامل می شود.»

ما در این پژوهش با پیروی از رویکرد کسانی همچون عطاردی (۱۳۹۱)، نبوی (۱۳۹۹)، رضی پور (۱۴۰۰)، نصرافهانی (۱۴۰۱) و کشاورز (۱۴۰۲)، شوخ طبعی را چترواژه دانسته ایم و طنز را زیرمجموعه آن در نظر می گیریم.

حال می توان به تعریف شوخ طبعی پرداخت. واژه humor (شوخ طبعی) در زبان انگلیسی از واژه لاتین umor گرفته شده و در نظام پزشکی یونان باستان به معنای «رطوبت» بوده است که این خود اشاره به طبایع چهارگانه دارد (نصرافهانی، ۱۴۰۱: ۱۸). اما فارغ از تعریف های لغوی و لغتنامه ای که چندان به کار ما نمی آید، شوخ طبعی در اصطلاح عبارت است از «هرگونه تصرف در نظم یا نظام های آشنای ما و جایگزین منطقی غیرمعمول با منطق آن ها، به صورتی که حقیقتی را بیان کند یا فهم تازه ای پدید آورد و یا ما را بخنداند» (کشاورز،

۱۴۰۲: ۸۵). از نگاه مارتین (۱۳۹۷: ۳۷) شوخ‌طبعی عبارت است از «واکنش عاطفی به صورت شادی در یک بافتار اجتماعی که از ادراک یک ناسازگاری بازی‌گوشانه ناشی می‌شود و با لبخند یا خنده بروز پیدا می‌کند.» شوخ‌طبعی امری متنوع، روزمره، جهانی، بومی، بازی ذهنی و دارای ماهیت دوگانه است که مهم‌ترین ویژگی آن غافلگیری، شگفتی و غیرمنتظره بودن است.

دسته‌بندی‌های مختلفی برای شوخ‌طبعی شده است. نصرافهانی (۱۴۰۱: ۳۲) تقسیم‌بندی‌های ذکر شده درباره شوخ‌طبعی را براساس معیارهای تأثیر، قالب، کارکرد، ادبیات، و میزان صراحت خلاصه می‌کند. در دسته‌بندی بر اساس ادبیات و ژانر که به موضوع ما مرتبط است گونه‌های جوک، هزل، فکاهه، هجو و طنز را ذکر می‌کنند.

۲.۳. طنز چیست؟

به نظر می‌رسد نه در زبان فارسی و نه در سایر زبان‌ها هیچ حدومرز و تعریف دقیقی در این باره وجود ندارد. به طور مثال، در زبان فارسی انبوهی از واژگان مرتبط با خنده و خنده‌زنی و شادمانی وجود دارد؛ از قبیل طنز، هجو، مطایبه، شوخی، شوخ‌طبعی، هزل، لطیفه، تمسخر، طعنه، خندستانی، کنایه، بذله‌گویی، متلک، و کمدی؛ و معمولاً در عطف با یکدیگر و گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند (فرجامی و جعفری در مقدمه موریل، ۱۳۹۹: ۸).

طنز واژه‌ای عربی است که ریشه فعلی آن به معنای «ریشخند کردن و به هیجان آوردن با سخنان» است و در معنای طعنه، سخریه، بر کسی خندیدن، عیب کردن کسی، تهمت زدن، ریشخند کردن و به استهزا و بهرمز سخن گفتن نیز به کار رفته است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۳؛ باختری، ۱۳۸۸: ۲۱؛ بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۲؛ اصلانی، ۱۴۰۰: ۱۹۷). در واژمنامه لاتین، satire به معنای «طنز» آمده است و روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیز از زشتی‌های زندگی، عیب‌ها، فسادها و حقایق تلخ اجتماعی را به طور اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر از آنچه هست، نشان می‌دهد تا صفات آن‌ها روشن‌تر جلوه کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴؛ باختری، ۱۳۸۸: ۲۱). در فرهنگ لغت آکسفورد طنز «توانایی خندیدن به چیزهایی که خنده‌دار هستند» و در فرهنگ لغت کمبریج «توانایی خنده‌دار یافتن چیزها، این که مردم چگونه برخی چیزها را خنده‌دار می‌بینند یا خنده‌دار بودن آن‌ها را تشخیص می‌دهند» تعریف شده است (Bensaber, 2020: 5).

طنز در مفهوم امروزی قدمت چندانی ندارد؛ زیرا، طنز بیشتر با نام‌های

هجو، هزل، و فکاهه شناخته می‌شده است (باختری، ۱۳۸۸: ۲۲). نورانی (۱۳۸۸: ۱۳۳ و ۱۹۹) واژه humor را «فکاهه‌نویسی» و واژه satire را «طنز» نامگذاری می‌کند. به قول وی، واژه satire یا طنز در افغانستان پذیرفته شده است. امروزه، اصطلاح طنز به دو منظور به کار می‌رود: نخست، طنز در معنای عام humor یا شوخ‌طبعی شامل تمام انواع آن؛ دوم، در معنای خاص و محدود خود یا satire قالب خاص، و ویژگی معین و ایدئال‌گرایانه (سلیمی، ۱۳۹۹: ۲۵).

پس از این اشارات لغوی می‌توان به چند تعریف از اصطلاح طنز پرداخت. مارتین (۱۳۹۷: ۳۷) طنز را چنین تعریف می‌کند: «طنز عبارت از واکنش عاطفی به صورت شادی در یک بافتار اجتماعی که از ادراک یک ناسازگاری بازیگوشانه ناشی می‌شود و با لبخند یا خنده بروز پیدا می‌کند». باختری (۱۳۸۸: ۲۴) طنز را یکی از گونه‌های ادبی معرفی می‌کند که به شکل منثور، منظوم و تصویری پرداخته می‌شود و نابسامانی‌های جامعه، فساد، خیانت، رشوه، رفتارهای ضد اخلاقی و غیر اخلاقی افراد و نهادها، کنش‌های ناشایست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با زبان ادبی شیوا و با ایجاد تمسخر و خنده به چالش می‌کشد و ناخودآگاه آدمیان را برای مبارزه بیدار می‌سازد.

در تعریفی دیگر، طنز گونه‌ای بیان هنری معرفی شده است که هنرمند «شاعر یا نویسنده» با استفاده از برخی ترفندهای زبانی عام «جناس، ایهام، اغراق، تناقض و جزآن» و گاه خاص «وارونه‌گویی، کاربرد کلمات جعلی، دستکاری عمدی واژه‌ها و کاریکاتورسازی و نظایر آن» با بیان غالباً غیرمستقیم، نظم‌دهی مخاطبان را به مسائل گوناگون برهم می‌زند و آن را به چالش می‌کشد تا از این طریق، تضاد میان وضع موجود با وضع مطلوب را در سطح اجتماع یا در کلیت نظام هستی بیان کند و هدف از آن نیز در نهایت خوش‌بینی و ایجاد تحول سازنده است (کشاوری، ۱۴۰۲: ۱۰۵).

لیختنشتاین و نیچ طنز را سبکی ارتباطی می‌دانند که معمولاً با پرخاشگری، قضاوت، تمسخر، بازی، خنده و ارجاع به هنجارهای اجتماعی همراه است. درواقع، طنز نوعی انتقاد اجتماعی است که به ساختارهای قدرت حمله می‌کند و به پدیده‌های بحث‌برانگیز اجتماعی می‌افزاید (Lichtenstein & Nitsch, 2023: 277). در تعریف فرهنگ لغت کمبریج، اما نکته ظریفی وجود دارد: «آنچه مردم خنده‌دار» تشخیص می‌دهند. این نکته نه تنها بُعد اجتماعی مفهوم طنز را روشن می‌کند، بلکه بانی بروز چنین پرسش‌هایی می‌شود: چه کسی هدف شوخ‌طبعی یا طنز است؟ و چه چیزی

پشت این انتخاب نهفته است؟ (Graefer et al., 2020: 2) یا شوخ‌طبعی‌ها چگونه، در چه زمانی یا در چه موقعی، به‌دست چه کسی، کجا، و با چه شرایطی بروز می‌یابد؟ (برگر، ۱۴۰۲: ۱۵۲؛ Lockyer & Pickering, 2008: 817-818). این پرسش‌ها از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که در تلاش برای درک جامعه‌شناختی طنز و طنزهای رسلنه‌ای مطرح می‌شود. و به‌باور تیلور و راسکین، هیچ نظریه پذیرفته‌شده‌ی جهانی درباره‌ی طنز وجود ندارد که به پرسش‌های بالا پاسخ و توضیح دهد که چه چیز، چرا، چگونه، چه زمانی، و برای چه کسانی خنده‌دار است (Taylor & Raskin, 2012: 137). در مقاله حاضر سعی شده است بر مبنای توضیح‌ها درباره‌ی این مفاهیم و تفاوت‌های آن‌ها از دو اصطلاح طنز و شوخ‌طبعی استفاده شود.

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و نظری با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مطالعه‌ای مختصر، مسنجم و جامع درباره‌ی گونه‌ای طنز در رسانه‌های افغانستان انجام پذیرفته است.

در این مسیر، نخست با مطالعه منابع در دسترس، موضوع‌های مرتبط به بحث طنز در رسانه‌های افغانستان یادداشت‌برداری شد. سپس، یادداشت‌ها دسته‌بندی و توصیف و تحلیل شد. در گزارش نهایی، تاریخ طنز در رسانه‌های افغانستان در بیش از یک قرن-از آغاز (۱۲۸۹ ش) ورود رگه‌های طنز در رسانه‌های افغانستان تا سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان (۱۴۰۰ ش)- مرور شده است.

۵. یافته‌ها

۱.۵. طنز در رسانه‌های افغانستان

نشریه شمس/نهار، نخستین نشریه رسمی، موقوت^۱ و سرآغاز مطبوعات در افغانستان است (نادری، ۱۳۸۵: ۳). این نشریه، در سال ۱۲۵۲ش در دوره دوم حکومت امیرشیرعلی خان^۲ با هدف نشر خبرهای سرتاسری و برنامه‌های اصلاحی در کشور ایجاد شد و تا سال ۱۲۵۷ش منتشر می‌شد (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۰۲؛ حمیدی‌رسا، ۱۳۹۵: ۷؛ تنویر، ۱۳۷۸: ۳۵؛ آهنگ، ۱۳۸۰: ۱۸؛ رهین، ۱۳۹۱: ۴۰). عصمت‌اللهی (۱۳۸۲: ۹۷) دلیل توقف نشر آن را «جنگ داخلی و دخالت دولت انگلیس» می‌داند. باوجوداین، شمس/نهار «اساس‌گذار نظام منظم و پی‌گیر

1. periodical

۲. دور دوم زمامداری امیرشیرعلی خان بین سال‌های ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۷ش/ ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۸م

مطبوعات» در این کشور به شمار نمی‌رود (عمری، ۱۳۹۸: ۲۰۵)، زیرا در آن نمی‌توان گونه‌های روزنامه‌نگاری را مطابق با رعایت اصول پذیرفته‌شده روزنامه‌نگاری امروزی پیدا کرد. طبق ادعای باختری (۱۳۸۸: ۱۷۶)، در نشریه شمس/النه‌ار چیزی به نام «طنز» وجود ندارد.

با توقف نشر شمس/النه‌ار، یگانه نشریه در جغرافیای افغانستان و با به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان^۱، مردم افغانستان ۲۳ سال از داشتن نشریه محروم ماندند (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۰۶) و در زمان زمامداری وی هیچ روزنامه‌ای در کشور منتشر نمی‌شد (آهنگ، ۱۳۸۸: ۹). حمیدی‌رسا (۱۳۹۵: ۸) دوره زمامداری وی را دوره‌ای «تاریک بر رسانه‌ها» نام می‌نهد. تنویر (۱۳۷۸: ۴۴) نیز مطبوعات این دوره را «مرده» توصیف می‌کند. رهین (۱۳۹۱: ۷۵) هم، کارنامه عبدالرحمن خان را در بخش فرهنگ درخشان نمی‌داند و دوره او را دوره «رکود مطبوعات» در افغانستان نامگذاری می‌کند.

۱.۱.۵. ظهور رگه‌های طنز در مطبوعات افغانستان

با قدرت گرفتن امیر حبیب‌الله خان^۲، مطبوعات افغانستان دوباره احیا شد (تنویر، ۱۳۷۸: ۵۰). در این دوره، نخستین مکتب/مدرسه پایه‌گذاری شد. مشروطه‌خواهان در همین دوره رشد و انجمن سراج‌ال‌اخبار را تأسیس کردند. این انجمن، نشریه‌ای به نام سراج/ال‌اخبار/افغانستان را در سال ۱۲۸۴ ش به نشر رساند (باختری، ۱۳۸۸: ۱۷۷؛ نادری، ۱۳۸۵: ۹؛ حمیدی‌رسا، ۱۳۹۵: ۱۲) که پس از نشر یک شماره متوقف شد، زیرا دولت دوره استعمار (کمپانی هند شرقی) با نشر آن موافق نبود و مانع نشر شماره‌های دیگر آن شد (آهنگ، ۱۳۸۸: ۵۸؛ رهین، ۱۳۹۱: ۱۱۳) و افغانستان بار دیگر تا سال ۱۲۸۹ ش بدون نشریه ماند (رهین، ۱۳۹۱: ۱۱۳). آهنگ (۱۳۸۸: ۵۸) در این زمینه می‌نویسد: «پس از متوقف‌شدن سراج‌ال‌اخبار افغانستان تا سال ۱۲۸۹، در افغانستان نشریه موقت چاپی وجود نداشت؛ اما، خبرنامه‌ها به شکل قلمی تهیه می‌شد.» تا اینکه در سال ۱۹۱۱ م به کوشش محمود طرزی نشریه سراج/ال‌اخبار/افغانیه تأسیس شد (باختری، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

محمود طرزی با نشر سراج/ال‌اخبار/افغانیه در سال ۱۲۹۰ ش بنیاد مطبوعات متداوم و پردرخششی را در افغانستان پایه گذاشت (آهنگ، ۱۳۸۸: ۷۶). درواقع،

۱. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۲۵۸ تا ۱۲۷۹ ش/ ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ م

۲. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۹۸ ش/ ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۹ م

سراج/الخبار/افغانیه پایه‌گذار روزنامه‌نگاری منظم و پیگیر در افغانستان است (عمری، ۱۳۹۸: ۲۰۸). در متن سراج/الخبار/افغانیه، گونه‌های مطبوعاتی و ادبی، عکس، کارتون و رسم استفاده شده است و گونه‌های خبر، مقاله، تبصره، گزارش، تقریظ، نامه‌واره، حماسه و نظایر آن و گونه‌های طنز مانند کنایه، نکته^۱، هجونامه^۲ و پاورقی^۳ نیز به نشر رسیده است (آهنگ، ۱۳۸۸: ۸۳؛ آهنگ، ۱۳۸۰: ۲۲؛ حمیدی‌رسا، ۱۳۹۵: ۱۲).

عصمت‌اللهی (۱۳۸۲: ۱۰۹) بر این نظر است که «این نشریه با اتکاء به اصول روزنامه‌نگاری و براساس معیارهای بین‌المللی منتشر می‌شد». سخاورد (۱۳۸۶) آن را به نشریه/کونومیست^۴ چاپ لندن تشبیه می‌کند (عمری، ۱۳۹۸: ۲۰۸) و عصمت‌اللهی (۱۳۸۲: ۱۱۵) در مقایسه نشریه شمس/النهار با سراج/الخبار/افغانیه می‌گوید: «شمس‌النهار برای اهداف اصلاحی و انکشافی بنیان نهاده شده بود؛ اما، موضع سراج‌الخبار افغانیه ضد استبداد و ضد استعمار بود». نادری (۱۳۸۵: ۱۱) در این زمینه بر این باور است که سراج/الخبار/افغانیه نسبت به شمس/النهار با معیارها و موازین روزنامه‌نگاری نوین بیشتر هماهنگ بوده است.

محمود طرزی از نخستین کسانی است که گاهی به مسائل سیاسی و اجتماعی رویکرد طنزآمیز داشته است (باختری، ۱۳۸۸: ۱۷۷). کاظم آهنگ نخستین فردی است که درباره طنز در سراج/الخبار/افغانیه پژوهش کرده و رگه‌های طنز را در آن شناسایی کرده است (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۷؛ مفید، ۱۳۹۵). نورانی (۱۳۸۴: ۱۰۳) و نادری (۱۳۸۵: ۱۳) بر این نظر هستند که محمود طرزی و همکارانش، با نشر مقاله‌های بیدارکننده در جریده سراج/الخبار/افغانیه و ترجمه رمان‌های اروپایی، نه تنها مردم افغانستان را با ادبیات جدید جهان و تحول‌های آن آشنا کردند، بلکه در بسیاری از مقاله‌های وی می‌توان نخستین رگه‌های طنز را نیز شناسایی کرد. یکی از طنزهای او با عنوان «حی علی‌الفلاح» یکی از شاهکارهای طنز است که در شماره دهم، سال پنجم انتشار یافت (آهنگ، ۱۳۸۰: ۲۲). عصمت‌اللهی (۱۳۸۲: ۱۱۳) می‌گوید: «این مقاله منادی آزادی بود» و آهنگ (۱۳۸۸: ۸۱) آن را گونه‌ای در قالب طنز «هجونامه» جا می‌دهد. باختری (۱۳۸۸: ۱۷۹) اما بر این عقیده است که «در نشریه سراج‌الخبار افغانیه عناصری از طنز

1. epigram
2. pamphlet
3. feuilleton
4. Economist

وجود داشته تا خود طنز.» به‌طور مثال، مقاله «حی علی‌الفلاح» اثری کنایی و انتقادی است که مردم را به بیداری و مبارزه بر ضد استعمار انگلیس دعوت می‌کند؛ یا شعر «بیا ببین که در جهان چگونه گشته کارها» از عناصر انتقادی، به‌ویژه طنز، به حساب می‌آید. بر این اساس، می‌توان گفت که رگه‌های طنزنویسی در رسانه‌های افغانستان از حوزه سیاست در نشریه سراج/الخبار/افغانیه آغاز می‌شود. به‌طور مثال، سراج/الخبار/افغانیه در شماره پنجم، سال پنجم، زیرعنوان «سراج‌الخبار می‌خواهد مؤذن شود» به زبان کنایه تلاش می‌کند دزدی و غارت مسئولان حکومتی را به گوش کاخ‌نشینان برساند و از بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی آنان انتقاد کند. در ضمن، در مقاله «جنگ و صلح» در شماره اول، سال هفتم و در مقاله «من هیچ فرصت ندارم» در شماره هفتم، سال سوم به ترتیب، از سلطه استعمار، و رئیس‌ان مسئولان بیکاره و بی‌مسئولیت انتقاد شده است (باختری، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

باید توجه داشت که درباره نشر سراج/الخبار/افغانستان و سراج/الخبار/افغانیه حرف‌های ضدونقیضی وجود دارد^۱ (رهین، ۱۳۹۱: ۱۱۷). اما، ما با توجه به تفاوت در سال نشر، تفاوت در مدیرمسئولی و تفاوت در نام نشریه، سراج/الخبار/افغانستان را دومین و سراج/الخبار/افغانیه را سومین نشریه در افغانستان به حساب آورده‌ایم.

۲.۱.۵. دوره مطبوعات مبتنی بر قانون و رشد اولیه طنز

پس از کشته‌شدن حبیب‌الله‌خان و رسیدن پسرش امان‌الله‌خان^۲ به قدرت، فصل تازه‌ای در مطبوعات افغانستان رقم خورد و «مطبوعات و جامعه مبتنی بر قانون» در کشور شکل گرفت (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۱۸؛ تنویر، ۱۳۷۸: ۷۵). در همین دوران، نخستین قانون اساسی، نخستین قانون مطبوعات، نخستین رسانه چاپی خصوصی و نخستین دادگاه رسانه‌ای به‌میان آمد (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). آهنگ (۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۳۸) و رهین (۱۳۹۱: ۲۶۸-۲۷۸) از نشریه‌های/انیس، نسیم سحر و نوروز به‌عنوان مطبوعات آزاد یا غیردولتی یا خصوصی یاد می‌کنند. تنویر (۱۳۷۸: ۸۵-۹۵) با تأیید این سه نشریه، جریده‌های صدای پشتون^۳ و افغان را نیز به‌عنوان نشریه‌های آزاد و اولیه افغانستان نام می‌برد.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره نشریه سراج/الخبار/افغانستان و سراج/الخبار/افغانیه به بخش پنجم کتاب تاریخ مطبوعات افغانستان «از شمس‌النهار تا جمهوریت» مراجعه کنید به رهین (۱۳۹۱).

۲. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸ ش/ ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ م

۳. پشتون ژغ

باختری (۱۳۸۸: ۱۸۳) دوره امان‌الله‌خان را دوره شکوفایی مطبوعات، فرهنگ و ادبیات عنوان می‌کند. حمیدی‌رسا (۱۳۹۵: ۱۳) آن را از دوره‌های «تحول و تنوع رسانه‌ایی» می‌داند. به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد که مطبوعات در دوره پادشاهی امان‌الله‌خان «پیشینه بس عالی و منحصر به فردی را در زندگی انسانی» دنبال کرده است (آهنگ، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

یکی از نشریه‌هایی که در دوران نظام امان‌الله‌خان به طنز پرداخته، هفته‌نامه ستاره/افغان است که در شهرستان جبل‌السراج ولایت/استان پروان در یک یا دو ورق چاپ و نشر می‌شده است (باختری، ۱۳۸۸: ۱۸۵؛ آهنگ، ۱۳۸۸: ۱۸۷-۱۸۹؛ رهین، ۱۳۹۱: ۲۵۷). رویکرد این نشریه همانند سراج/اخبار/افغانیه بود که پس از سی شماره توقیف شد (باختری، ۱۳۸۸: ۱۸۵). درباره مدیرمسئول آن اختلاف نظر وجود دارد. باختری (۱۳۸۸) میرغلام محمد حسینی، آهنگ (۱۳۸۸) غلام محی‌الدین انیس، و رهین (۱۳۹۱) میرغلام محمد غبار را مدیرمسئول آن معرفی می‌کنند. روزنامه دیگری که در زمان دولت امان‌الله‌خان گونه‌ای طنز را به نشر می‌رساند، نشریه/انیس بود. نشریه/انیس را در سال ۱۳۰۶ ش غلام محی‌الدین انیس پایه‌گذاری کرد. یکی از موضوع‌های مورد علاقه انیس نشر طنز و فکاهه بود. انیس در سال دوم، فراخوانی برای نویسندگان منتشر کرد که سوژه اصلی آن رشوه بود. به طور نمونه، از طنزهایی که در انیس چاپ شده است می‌توان «به حضور حضرت واهب العطیات» اشاره کرد که سعدالدین بها، وکیل کابل، به شیوه مناجات‌نامه عبدالله انصاری نوشته است. همچنین، زمانی که نشریه/انیس به روزنامه تبدیل شد، یک ستون مشخص با عنوان «لطایف و فکاهیات» و ویژه طنز در آن اختصاص یافت (باختری، ۱۳۸۸: ۱۸۶). در این باره آهنگ (۱۳۸۸: ۲۲۷) بر این نظر است که ستون‌های «از هر طرف» و «لطایف و فکاهیات» بهترین ستون‌های نشریه/انیس بود. بر این اساس، می‌توان گفت که طنز در این دوره به رشد اولیه رسید.

۳.۱.۵. دوره بحران و رکود مطبوعات و خشک شدن رگه‌های طنز

پس از آنکه شاه امان‌الله مجبور به ترک کشور شد، قدرت به دست حبیب‌الله کلکانی^۱ رسید. هرچند حبیب‌الله کلکانی مدت کمی در قدرت باقی ماند، تمام اصلاح‌های دوره امان‌الله‌خان را برچید و مطبوعات هم از آن بی‌نصیب نماند. آهنگ (۱۳۸۰: ۳۷) این دوره را «دوره بحران مطبوعات» نام می‌نهد. در این دوره،

۱. زمامدار افغانستان از ۲۷ دی ۱۳۰۷ ش تا ۲۱ مهر ۱۳۰۸ ش / ۱۷ ژانویه تا ۱۳ اکتبر ۱۹۲۹ م

مطبوعات سیر تدریجی قهقرایی را طی کردند و همه نشریه‌های دولتی و غیردولتی ممنوع اعلان شد. یگانه نشریه‌ای که زبان دولت به‌شمار می‌رفت و منتشر می‌شد، نشریه حبیب/سلام بود (تنویر، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

محمدنادرخان^۱ با فریب، حبیب‌الله کلکانی را اعدام کرد و قدرت را به‌دست گرفت. «محمدنادرخان نه‌تنها نظارت شدید و آمرانه‌ای بر مطبوعات وضع کرد؛ بلکه، هرگونه فعالیت روزنامه‌نگاران و روشنفکران را نیز زیر نظر گرفت» (نادری، ۱۳۸۵: ۱۵). بیشتر نشریه‌های این دوره بیانگر اهداف «شاه» بود. انتشار/انیس که در زمان حکومت حبیب‌الله کلکانی قطع شده بود، در دوره محمدنادرخان از سر گرفته شد؛ اما، پس از سه شماره متوقف شد و غلام‌محی‌الدین انیس، سردبیر آن، به زندان افتاد. باآنکه در این دوره از رشد مطبوعات آزاد جلوگیری شد، مطبوعات دولتی گسترش یافت (تنویر، ۱۳۹۵: ۱۱۸). باختری (۱۳۸۸: ۱۸۸) بر این باور است که «در دوره محمدنادرخان استبداد و اختناق نگذاشت تا طنز بیابد.»

۴.۱.۵. دوره بالندگی طنز و ظهور آن در جایگاه گونه‌ای مستقل

پس از محمدنادرخان، پسرش محمدظاهر^۲ بیش از چهل سال در افغانستان حکمرانی کرد. تاریخ‌نگاران حکمرانی محمدظاهرشاه را، براساس نخست‌وزیران او، به دو بخش تقسیم می‌کنند: نخست‌وزیران خانواده شاهی: محمدهاشم‌خان^۳ (عمویش)، شاه محمودخان^۴ (عمویش) و محمد داوود خان^۵ (پسرعمویش)؛ نخست‌وزیران بیرون از خانواده شاهی: دکتر محمد یوسف^۶، محمدهاشم میوندوال^۷، نورمحمد اعتمادی^۸، دکتر عبدالظاهر^۹ و محمدموسی شفیق^{۱۰}. در این دوران مطبوعات در هر دوره فرازوفرودهای خاص خود را داشت.

۱. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م

۲. پادشاه افغانستان بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۲ ش/ ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۳ م

۳. نخست‌وزیر اول خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۶ م

۴. نخست‌وزیر دوم خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ ش/ ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ م

۵. نخست‌وزیر سوم خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ ش/ ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۲ م

۶. نخست‌وزیر اول بیرون از خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ ش/ ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ م

۷. نخست‌وزیر دوم بیرون از خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ش/ ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ م

۸. نخست‌وزیر سوم بیرون از خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱ م

۹. نخست‌وزیر چهارم بیرون از خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ ش/ ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ م

۱۰. نخست‌وزیر پنجم بیرون از خانواده شاهی بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ م

به‌طور مثال، دوره نخست‌وزیری محمدهاشم‌خان «دوره خاموشی بیان و مطبوعات» است (تنویر، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در دوره نخست‌وزیری شاه محمودخان «آزادی نسبی مطبوعات و احزاب» فراهم می‌شود (تنویر، ۱۳۹۵: ۱۲۷). رسیدن شاه محمودخان، عموی دوم محمدظاهرشاه، به نخست‌وزیری و درعین حال ختم جنگ جهانی دوم سبب شد تا کشور به دوران اداره معتدل‌تری گام بگذارد. با این فرصت، در سال ۱۳۱۹ش، نخستین نهاد اساسی مطبوعات در افغانستان به نام «ریاست مستقل مطبوعات» ایجاد شد که تشکیلات زیر را داشت: رادیو کابل، آژانس باختر، انجمن تاریخ، انجمن پشتو^۱، دایره‌المعارف آریانا، کتابخانه‌ها و آموزشگاه‌های سوادخوانی، مطبعه‌ها، سینماها و صحنه‌ها (آهنگ، ۱۳۸۰: ۶۰). سپس، مؤسسه اعلانات افغان در سال ۱۳۳۲ش در قالب آژانس باختر شروع به کار کرد که سرانجام در سال ۱۳۴۸ش به ریاست مستقل درآمد. به دنبال آن «افغان فیلم» در سال ۱۳۳۵ش فعالیت‌های خود را شروع کرد که در سال ۱۳۴۵ش به‌طور رسمی افتتاح شد (آهنگ، ۱۳۸۰: ۶۳). همچنین، اتحادیه روزنامه‌نگاران افغانستان در سال ۱۳۳۷ش در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر کابل شکل گرفت (آهنگ، ۱۳۸۰: ۸۴).

رهین (۱۳۹۱: ۴۱۰) بر این نظر است که هفته‌نامه زندگی^۲ را نیز در سال ۱۳۲۷ش مؤسسه انیس در این شهر پایه‌ریزی کرد. در دوره نخست‌وزیری محمد داوودخان بر سر مطبوعات سایه‌ای دیکتاتوری حاکم بود (تنویر، ۱۳۷۸: ۱۳۳). باختری (۱۳۸۸: ۱۸۹) دهه ۳۰ شمسی را دهه شکل‌گیری مطبوعات ایدئولوژیکی می‌داند که سبب شد نگاه انتقادی به رویدادها شکل بگیرد و تا پایان این دهه به شکوفایی رسید. در همین دوره طنز منظوم نیز در تئاتر راه پیدا کرد. با رسیدن دهه ۴۰ شمسی، نخستین نهاد علمی روزنامه‌نگاری در افغانستان که در حال حاضر دانشکده روزنامه‌نگاری و ارتباطات دانشگاه کابل است، در سال ۱۳۴۰ش تأسیس شد (آهنگ، ۱۳۸۰: ۸۰). بعدتر، سومین قانون اساسی به تصویب رسید. براساس آن قانون رسانه‌ها نافذ شد و این دهه به «دهه دموکراسی» معروف شد (نورانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). پس از تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۴۳ش، علی‌اصغر بشیر هروی، طنزهای خود و رحیم نوین را با نام‌های مستعار کلک، گل‌بی‌خار و بادنجان در هفته‌نامه زندگی به چاپ می‌رساند. این نشریه دو صفحه

۱. پشتو تولنه

۲. ژوندون

را به طنز و کارتون اختصاص داده بود (نورانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴؛ باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

سرانجام، نخستین نشریه اختصاصی در حوزه طنز در افغانستان را علی اصغر بشیر هروی و همکارش دکتر نوین در سال ۱۳۴۷ش به نام ترجمان پایه گذاری کردند (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۱) که نخستین جریده کارتونی در این کشور است که با مدیرمسئولی علی اصغر بشیری با زبان فارسی/ دری با تیراژ بین ۲ هزار تا ۴ هزار شماره به طور هفتگی به نشر می رسید (تنویر، ۱۳۹۵: ۱۶۲) و به بعضی کشورهای برون مرزی نیز فرستاده می شد (رهین، ۱۳۹۱: ۴۲۵).

بعدتر شوخک، نخستین مجله مستقل طنز، در سال ۱۳۵۰ش با مدیرمسئولی عزیز مختار و با همکاری عبدالغفار گداز منتشر شد که به طور هفتگی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ شماره به چاپ می رساند (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۳؛ تنویر، ۱۳۷۸: ۱۶۵؛ رهین، ۱۳۹۱: ۴۳۹). نادری (۱۳۸۵: ۲۵) در مقایسه بین نشریه ترجمان و شوخک می گوید: «طنز در مطبوعات دوره محمدظاهرشاه به حیث یک ژانر موثر ادبی و روزنامه نگاری بیش تر مورد استفاده قرار گرفت. مطبوعات در این دوره به کاربرد کارتون نیز توجه جدی نشان دادند. در این ارتباط هفته نامه ترجمان خدمت بزرگی را در پخش و اشاعه طنز و کارتون در افغانستان انجام داده است. البته پس از ترجمان نشریه شوخک نیز با چنین روحیه ای پا به میدان گذاشت؛ اما، از نظر کیفیت شوخک، هیچ گاه نتوانست با ترجمان دوشادوش به پیش برود.» باختری (۱۳۸۸: ۱۹۱-۱۹۳) بر این نظر است که: «در دهه چهل طنز تمثیلی نیز رواج یافت.» وی اضافه می کند که این دوره را می توان «دوره شکوفایی و بالندگی طنز دانست که در آن ادبیات طنز شکل گرفت.» بر این اساس، دهه اخیر نظام شاهی را می توان آغاز رسمی طنزنویسی در افغانستان معرفی کرد.

۵.۱.۵. دوره خاموشی طنز

محمدداوودخان^۱ در ۲۶ تیر ۱۳۵۲ش و به دنبال کودتای سفید، نظام شاهی را سرنگون کرد و نظام جمهوری دموکراتیکی را بنیان نهاد. در دوره محمدداوودخان، روزنامه نگاری به رکود رفت و رسانه های جمعی در محدوده انتشارات دولتی قرار گرفت (رهین، ۱۳۹۱: ۵۲۸؛ تنویر، ۱۳۹۵: ۲۲۲). وضعیت افغانستان به گونه ای بود

۱. زمامدار افغانستان بین سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸م

که سولبین رادیو را در این دوره از معدود عوامل یکپارچه‌ساز ملت افغانستان می‌داند (Slobin, 1974).

باختری (۱۳۸۸: ۱۹۴)، از قول احسان‌الله سلام^۱، این دوره را «دوره خاموشی طنز» در افغانستان نام می‌نهد. وی در ادامه بیان می‌کند: «باآنکه در مطبوعات دولتی این دوره، جسسته و گریخته طنزهایی دیده می‌شود؛ اما، هرگز نمی‌تواند به‌عنوان یک فرایند پویا عرض اندام کند یا حتی دنباله‌ای بر طنزنویسی دوره دموکراسی یا دهه چهل دوره حکومت محمدظاهرشاه به‌شمار آید.»

۶.۱.۵. دوره دگرگونی طنز و ظهور آن در رادیو و تلویزیون

در ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ش و در پی کودتای نورمحمد ترکی^۲، نخستین رئیس‌جمهور کمونیست‌ها به قدرت رسید. سپس حفیظ‌الله امین^۳، ببرک کارمل^۴ و نجیب‌الله احمدزی^۵ یکی پس از دیگری نظام امور مملکت را در اختیار گرفتند. تنویر (۱۳۷۸: ۳۰۱) مطبوعات دوره کمونیست‌ها را چنین تعریف می‌کند: «مناسبات اجتماعی به‌ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاری را در تحجر فکری و سیاسی خود قرار دادند.» در این دوره، به‌دلیل اختناق و سانسور، طنز از حوزه سیاست به حوزه اجتماع وارد شد (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۵)؛ به این معنا که رنگ‌وبوی طنز بیشتر متکی به مسائل اجتماعی و زندگی روزمره شد تا سیاست.

نورمحمد ترکی را حفیظ‌الله امین به قتل رساند و زمام امور کشور را به‌دست گرفت. بعدتر با اشغال افغانستان به‌دست روس‌ها، حفیظ‌الله امین در ارگ افغانستان کشته و ببرک کارمل صاحب قدرت شد. پس از پنج سال و چهار ماه ببرک کارمل از قدرت کنار رفت و در نیمه دوم دهه ۶۰ شمسی آخرین رئیس‌جمهور کمونیست‌ها، نجیب‌الله احمدزی، به قدرت رسید. در دوره نجیب‌الله، طنز دوباره جان گرفت و روزنامه قدیم/نیس و هفته‌نامه‌های سباوون و/خبر هفته نیز زمینه‌های نیکویی را برای گسترش ادبیات طنز فراهم کردند (نورانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

۱. طنزنویس مشهور افغانستان

۲. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۲۵ ۱۳۵۸ش/ ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹م

۳. زمامدار افغانستان از ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ تا ۶ بهمن ۱۳۵۸ش/ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ تا ۲۵ ژانویه ۱۹۸۰م

۴. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ش/ ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶م

۵. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ش/ ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲م

انجمن نویسندگان افغانستان در سال ۱۳۵۹ش تشکیل شد. در سال ۱۳۶۶ش با سرپرستی محمداکرم عثمان، بخش طنزنویسی در این انجمن پایه‌گذاری شد که مسئولیت آن را جلال نورانی به‌عهده داشت. در همین زمان، محمداکرم آهنگ، رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کابل به کمک عثمان ابراهیم و اسدالله سعدالله‌یف در سال ۱۳۶۷ش، برای نخستین بار واحد درسی «گونه‌های طنزی» را وارد دانشکده روزنامه‌نگاری کردند (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۶) و تا کنون محتوای واحد گونه‌های طنزی که محمداکرم آهنگ در سال ۱۳۸۱ش تألیف کرده بود، در دانشکده‌های روزنامه‌نگاری افغانستان تدریس می‌شود.

باختری (۱۳۸۸: ۱۹۷-۲۰۱) دهه ۶۰ شمسی را دهه «فوران ادبیات طنز و دگرگونی طنز» می‌داند. وی اضافه می‌کند: این دهه را می‌توان «دوره شکل‌گیری طنز به گونه مستقل ادبی» نیز شناخت، زیرا نه تنها مجله‌های مطرح- از جمله *سباون*، *اخبار هفته* و *جولنان* (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۰)، نگاه و مجله کار (نادری، ۲۰۰۲)- به‌طور گسترده و پیگیر به نشر طنز می‌پرداختند (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۰)، بلکه *رادیو افغانستان* نیز «پارچه‌های تمثیلی»^۱ طنز را پخش می‌کرد که امان اشکریز^۲ از اجراکنندگان نامدار آن به‌شمار می‌رفت. برنامه‌های مهم *رادیو افغانستان* که پارچه‌های تمثیلی طنز در آن پخش می‌شد عبارت است از: «گذرگاه تبسم»، «دریچه زندگی»، «پر طاووس» و «زنگ‌های تفریحی». اسدالله ذکی، امان‌الله اشکریز و سردار محمد ایمن از گویندگان مشهور این برنامه‌ها بودند (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۷). همچنین، سریال تلویزیونی *شیرین گل و گل آغا* در ۲۹ قسمت در همین دهه تهیه و از طریق تلویزیون افغانستان پخش شد که در میان مردم محبوبیت ویژه‌ای یافت. این سریال جنجال‌های زندگی زن و شوهر را به نمایش می‌گذاشت. سریال *پسر بیوه*^۳ که عبدالواحد نظری در سه قسمت ساخت نیز در میان مردم محبوب شد (همان). تأثیر این دو سریال چنان بود که

۱. پارچه‌های تمثیلی در زبان مردم افغانستان قطعات کوتاه نمایشی است که شاید بتوان آن را معادل میان‌پرده‌های نمایشی در زبان مردم ایران دانست.

۲. امان اشکریز چهره شناخته شده رادیو و تلویزیون افغانستان است. او که از کودکی در برنامه‌های کودکان رادیوی آن زمان کار می‌کرد، برای نخستین بار برنامه‌های انتقادی «میرزاقلم» را در *رادیو افغانستان* آغاز کرد.

۳. د کوندی زوی

شخصیت‌های آن هنوز هم میان مردم محبوب هستند و در کلام روزمره‌شان اشاره‌ها و اصطلاح‌های آن‌ها به کار می‌رود و یکدیگر را به آن نام‌ها صدا می‌زنند. در دهه ۶۰ میلادی، فیلم کوتاه، نمایش و درام طنز زیادی در تلویزیون افغانستان پخش شد. حاجی محمد کامران یکی از شخصیت‌های عرصه طنز تصویری یا کمدی این دوران به‌شمار می‌آید (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۸؛ نورانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). نخستین فیلم کمدی انتقادی افغانی نیز محصول این روزگار است (نورانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). همچنین در این دوره، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۹ ش در شهر کابل آزمون فکاهه‌گویی برگزار شد. در اواخر این دهه، در سال ۱۳۷۱ ش نخستین جریده غیردولتی مستقل طنز به نام نگاه به مدیرمسئولی بصیر پاکزاد آغاز به کار کرد (باختری، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

۷.۱.۵. دوره پنهانی و غربت طنز

دهه ۷۰ شمسی دوره حکومت‌های صبغت‌الله مجددی^۱ و برهان‌الدین ربانی^۲ است که به نام حکومت مجاهدان شهرت دارد. در این دوره جنگ در کوچه‌کوچه افغانستان جریان داشت. با این همه، رسانه‌هایی بودند، مانند شوخک در شهر مزارشریف، هفت/ورنگ در شهر هرات و هفته‌نامه کابل در شهر کابل که طنز را از یاد نبردند. در زمان حکومت مجاهدان طنز افغانستان، به مثل مردم آن، از افغانستان کوچید و رنگ بوی غربت اختیار کرد. این طنزها بیشتر دشواری‌های غربت را بازتاب می‌داد (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۱). همچنین، تنویر (۱۳۷۸: ۵۸۳) شوخک را نخستین مجله اختصاصی ماهنامه (ماهوار) طنز معرفی می‌کند که در سال ۱۳۷۵ ش در شهر مزارشریف با مدیرمسئولی عبدالعزیز مختار نشر می‌شد. زمانی که مجاهدان بر سر تقسیم قدرت در کابل و بسیاری از شهرهای افغانستان در نزاع بودند، طالبان دور اول به رهبری محمدعمر مجاهد^۳ در ۶ مهر ۱۳۷۵ ش وارد شهر کابل شد و قدرت را در اختیار گرفت. با آمدن طالبان به قدرت، روزنامه‌نگاری زیر نظر وزارت اطلاعات و فرهنگ قرار گرفت، تلویزیون تعطیل شد، رادیوی افغانستان به رادیوی شریعت تغییر نام داد و در دو نوبت صبح و شب به پخش برنامه‌های اندکی پرداخت (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۶۱) که مهم‌ترین تربیون

۱. زمامدار افغانستان از ۷ اردیبهشت ۱۳۷۱ تا ۶ تیر ۱۳۷۱ ش/ ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۲ م

۲. زمامدار افغانستان بین سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ ش/ ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ م

۳. طالبان دور اول بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ ش/ ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ م

تبلیغاتی طالبان به حساب می‌آمد (حمیدی‌رسا، ۱۳۹۵: ۲۴). در چنین فضای عبوسی، تنها برای نمونه توجه به برنامه‌های طنز و کمدی رتبه ششم از ترجیح‌های مخاطبان رادیو شده بود (ر.ک. Skuse, 2002).

در سال ۱۳۷۶ش، محمدعثمان اکرم با گروهی از یاران خود مجله طنز زنبیل غم را به‌طور زیرزمینی در کابل بنیان نهاد. همچنین، مجله شب‌خند در سال ۱۳۷۷ش در پیشاور به مدیریت مسئولی محمود بهزاد به نشر رسید که بیشتر مضامین آن انتقاد از حضور طالبان بنیادگرا در افغانستان بود (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۵؛ تنویر، ۱۳۹۵: ۶۱۲).

۸.۱.۵. عصر طلایی و فصلی تازه برای طنز

پس از فروپاشی طالبان دوره اول در سال ۲۰۰۱ م و روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی افغانستان، فصل تازه‌ای به‌روی رسانه‌ها گشوده شد. خارج شدن رادیو و تلویزیون از انحصار دولت، آزادی بی‌پیشینه رسانه‌ها، تحول رسانه‌ها از لحاظ کیفیت کاری و استفاده از گونه‌های مختلف در فعالیت‌های روزنامه‌نگارانه، آغاز عصر طلایی رسانه‌ها را در پرتو نظام تنبیهی آزادی‌گرا در تاریخ افغانستان رقم زد (حمیدی‌رسا، ۱۳۹۵: ۲۵؛ نادری، ۱۳۸۵: ۳۴). در این دوره، رسانه‌ها، از نظر کمیت، رشد چشمگیری داشت، به‌نحوی که نادری (۱۳۸۵: ۳۵) این رشد را سمارق‌وار (قارچ‌گونه) توصیف می‌کند.

با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی افغانستان، طنز شکل‌های مختلفی به‌خود گرفت. با ظهور رسانه‌های مختلف در این کشور، شوخ‌طبعی و طنز به ویژگی ثابت برنامه‌های مختلف رسانه‌ای تبدیل شد (Shrestha & Fluri, 2021: 196). در دو دهه، کمتر رسانه‌ای را می‌توان سراغ کرد که برنامه طنز نداشته باشد. در اوایل روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی افغانستان، نشریه‌های چاپی طنز-مثل زنبیل غم، گلک راست‌گوی، چلو صاف، کارتون، شخ‌گوی، صفر، و پالان-یکی پی دیگری در کابل و سایر شهرهای افغانستان منتشر شد (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۷). رسانه‌های چاپی غیرطنز نیز ستون‌هایی ویژه را برای نشر طنز اختصاص دادند؛ مانند ستون «خبرنگار ناراضی» در روزنامه اطلاعات/روز (تبیان، ۱۳۹۵) و ستون «هشت شب» در روزنامه هشت صبح. رسانه‌های شنیداری نیز از قافله عقب نماندند و به پخش برنامه‌های طنز پرداختند: «مربای مرچ» از رادیو آزادی، «هاونگ» از رادیو کلید و «زنبیل غم» از رادیو سلام وطن‌دار.

شبکه‌های تلویزیونی از همه انواع رسانه در داشتن برنامه طنز و تولید محتوا

در قالب آن پیشی گرفت. از میان برنامه‌های طنز شبکه‌های تلویزیون خصوصی و دولتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شبکه طلوع با برنامه‌های «زنگ خطر»، «لحظه‌ها»، «شبکه خنده»، «خندوقند»، «خنده‌بازار» و «شیری لالا»^۱؛ شبکه آریانا با برنامه‌های «برق لُج» (فارسی‌نیوز، ۱۳۹۶)، «خنده‌های گریه‌دار» و «قهوه جادویی»؛ شبکه نورین با برنامه‌های «تلک» (قادری، ۱۳۹۰)، «عقربنامه» و «سویچ»؛ شبکه ملی افغانستان با برنامه‌های «پخته‌پراند» و «خنده‌های انتقادی»؛ شبکه آینه با برنامه‌های «بله و خیر» و «نیش خند و نوش خند»؛ شبکه سبا با برنامه «انبور» (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۷)؛ شبکه یک با برنامه‌های «شب‌خند» (زاهد، ۱۴۰۲؛ Shrestha & Fluri, 2021: 196)، «پیچ‌کاری»، «خنده‌آرا»، «منجنيق و خنده‌ها»^۲؛ شبکه افغانستان با برنامه‌های «خندستان» و «مارمولک»؛ شبکه خورشید با برنامه‌های «دم به دم»، «نقطه جوش» و «پشت پرده»؛ شبکه آرزو با برنامه‌های «ف» (خبرگزاری زنان افغانستان، ۱۳۹۹)، «دو جاسوس»، «زنبور عسل» و «قهوه شیرین»؛ شبکه عصر با برنامه «ایشته خاشد»؛ شبکه شمشاد با برنامه‌های «بلادی واخلم»^۳، «د خدا چل»^۴، «چرگی»^۵، «چان»^۶، «تکان»^۷ و «شین چای»^۸؛ شبکه لمر^۹ با برنامه‌های «دندوره»^{۱۰} و «بنی»^{۱۱}؛ شبکه ژوندون^{۱۲} با برنامه‌های «د خدا شیبه»^{۱۳}، «درز غوبل»^{۱۴} و «یو شیبه خدا»^{۱۵}؛

۱. برنامه «شیری لالا» در سومین سال حاکمیت طالبان دوم هنوز هم پخش می‌شود.
۲. برنامه «منجنيق و خنده‌ها» در سومین سال حاکمیت طالبان هنوز هم پخش می‌شود.
۳. به معنای بلایت را بگیرم
۴. به معنای ترفند خنده
۵. به معنای مرغ
۶. به معنای الک
۷. به معنای شلیک
۸. به معنای چای سبز
۹. به معنای آفتاب
۱۰. به معنای آوازه
۱۱. به معنای خرگوش؛ نیز به وسیله‌ای گفته می‌شود که از پوست حیوان ساخته شده و معمولاً روستاییان در آن آب و روغن نگهداری می‌کنند.
۱۲. به معنای زندگی
۱۳. به معنای یک لحظه خنده
۱۴. به معنای خرمن کوفتن، رقص دسته‌جمعی
۱۵. به معنای یک لحظه خنده

شبکه تمدن با برنامه «خبرنامه»؛ شبکه راه‌فرد/ با برنامه «تئاتر ذره‌بین»؛ و شبکه دنیای‌نو با برنامه‌های «باند زرتغ» و «باند خنده».

شبکه‌های تلویزیونی آنچنان شیفته پخش برنامه‌های طنز شده بودند که از این فراتر رفتند و به تولید برنامه‌های بزرگ طنز و تولید سریال طنز نیز پرداختند. شبکه تلویزیون طلوع در سال ۱۳۸۶ش آزمون طنزگویی را در برنامه «خنده‌بازار» در سراسر افغانستان برگزار کرد. این برنامه در سال ۱۳۸۷ش بار دوم راه‌اندازی شد که آصف جلالی مدیریت آن را بر عهده داشت. این شبکه در سال ۱۳۸۸ش سریال طنز «هیچ‌لند» را با محتوای سیاسی پخش کرد (باختری، ۱۳۸۸: ۲۰۸). همچنین، شبکه تلویزیون عصر به پخش سریال طنز باعنوان «فیس‌بوک» پرداخت (حسامی و نوری، ۱۴۰۰: ۱۰۸). باختری (۱۳۸۸: ۲۱۳) بر این نظر است که باآنکه دهه ۸۰ شمسی دوره شکوفایی طنز نوشتاری، گفتاری و نمایشی است، در این سال‌ها سرشت راستین طنز به‌شدت آسیب‌پذیرتر شد، چراکه از ورم تا فربهی تفاوت بسیار است. درواقع، این‌گونه طنزها ابتذال را ترویج می‌کنند و این خطر وجود دارد که طنز چهره واقعی خود را در این آشفته‌بازار پُر از خنده از دست بدهد و با تقلیل آن به امر یک‌سره خنده‌آور، سبب شود تا هیچ‌کسی استهزا، تمسخر و تحقیر را به خود نگیرد یا درباره محتوایی که در پسِ خنده جا خوش کرده تأمل و درنگ نکند (ارزگانی، ۱۴۰۲). در نهایت، دهه ۸۰ شمسی، بنا به گفته باختری (۱۳۸۸: ۲۰۳)، تاریخ ادبیات طنز «شکوفایی سیاسی» خود را جشن گرفت.

با سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان در ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ش، بسیاری از خبرنگاران، به‌ویژه بازیگران برنامه‌های طنز شبکه‌های تلویزیونی، به خارج از کشور رفتند. تعدادی از آن‌ها اکنون در شبکه تلویزیون /مو^۱ برنامه طنز «ایسو پس هموسو»، در صفحه تلویزیون باما و در صفحه یوتیوب یکی از تهیه‌کنندگان سابق برنامه‌های اجتماعی شبکه طلوع برنامه «ببین و بخند» و «موج خنده» را با محتوای طنز پخش می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

عمر رسانه در افغانستان بیش از یک‌ونیم قرن است؛ عمری که از نخستین نشریه به نام شمس‌النهار در دور دوم حکومت امیر شیرعلی خان شروع می‌شود و در نظام

1. <https://amu.tv/fa/>

جمهوری اسلامی افغانستان و عصر طلایی رسانه‌ها به رشد حداکثری می‌رسد. برای نخستین بار محمود طرزی در نشریه *سراج/اخبار/افغانیه*، نوشته‌های انتقادی منتشر کرد که برخی پژوهشگران آن را طنز تلقی کرده‌اند و این نشانه‌ای از ظهور رگه‌های طنز در مطبوعات این کشور است. گونه طنز در رسانه‌های افغانستان قدمتی بیش از صد سال دارد که به هشت دوره تقسیم می‌شود. در این دوره‌ها طنز فرازونشیب زیادی را تجربه کرده است. مرور تاریخچه طنز در رسانه‌های افغانستان نشان می‌دهد طنز رسانه‌های افغانستان از و در حوزه سیاست زاده شده است. دوره‌های طنز در رسانه‌های افغانستان با توجه به جهان و امر سیاست در شکل ۱ خلاصه شده است.

در دوره امان‌الله خان، طنز به رشد اولیه رسید. به‌طور مشخص، نشریه‌های *ستاره افغان و انیس* به نشر طنز توجه نشان دادند. *ستاره افغان* ادامه رویکرد انتقادی *سراج/اخبار/افغانیه* بود و پس از سی شماره متوقف شد. *انیس* که از نخستین نشریه‌های خصوصی در افغانستان به‌شمار می‌رود، دست به ایجاد ستونی مشخص با موضوع طنز زد؛ از جمله، ستون‌های «از هرطرف، لطایف و فکاهیات» که به گونه‌ای طنز اختصاص داشت و خوانندگان زیادی هم داشت. با سقوط امان‌الله خان، افغانستان وارد بحران تازه‌ای شد که در اثر آن نه تنها رگه‌های نخستین طنز خشکید، بلکه تا دهه ۳۰ شمسی مطبوعات به رکود رفت. در دهه ۳۰ شمسی آزادی نسبی برای مطبوعات فراهم شد و نخستین نهاد اساسی مطبوعات به‌نام «ریاست مستقل مطبوعات» و تشکیلاتی چون *رادیو کابل*، *خبرگزاری باخترا*، *انجمن تاریخ*، *کتابخانه‌ها*، *دایره‌المعارف آریانا*، *سینما* و مانند آن در افغانستان ایجاد شد. در این دهه طنز وارد تئاتر شد.

تغییر جدی دیگر در حوزه طنز، در دهه ۴۰ شمسی رخ داد که مهم‌ترین عوامل آن را بیرون شدن سمت نخست‌وزیری از خانواده شاهی، تصویب سومین قانون اساسی، تصویب قانون رسانه‌ها، و ایجاد مرکز علمی روزنامه‌نگاری در دانشگاه کابل می‌توان دانست. در این دهه با آنکه هفته‌نامه زندگی دو صفحه برای نشر طنز اختصاص داده بود، هنوز طنز گونه‌ای مستقل شناخته نمی‌شد. سرانجام، در سال ۱۳۴۷ش، نخستین هفته‌نامه اختصاصی طنز به نام *ترجمان* به چاپ رسید و نه تنها طنز را گونه‌ای مستقل معرفی کرد، بلکه آن را وارد دوران تازه‌ای کرد. پس از آن، دومین نشریه اختصاصی طنز به نام *مجله شوخک* در سال ۱۳۵۰ش منتشر شد.



شکل ۱. طنز در رسانه‌های افغانستان با تأکید بر نظام‌های مختلف از آغاز تا سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان

این روند ادامه نیافت، زیرا نظام شاهی طی کودتا سقوط کرد و نظام جمهوری دموکراتیک جایگزین آن شد. نظام محمداوودخان به طنز روی خوش نشان نداد؛ چون، به باور تاریخ‌نگاران، وی شخصی مستبد بود. با آنکه در این دوره طنز به گونه‌ای بسته‌وگریخته وجود داشت، روند روبه‌رشدی که در دهه ۴۰ شمسی آغاز شده بود، از شدت افتاد.

پس از آن و در دوره حکومت کمونیست‌ها، طنز دگرگون شد و در عرصه رادیو و تلویزیون و فیلم ظهور کرد. در این دوره، نشریه‌های چاپی - مانند سب‌وون، اخبار هفته، جوانان، و مجله نگاه و کار - به‌طور مرتب به نشر طنز پرداختند. در رادیوی افغانستان نیز پارچه‌های تمثیلی طنز به‌وفور پخش می‌شد که محتوای طنز داشت. نکته مهم دیگر درباره طنز در این دوره این است که نخستین مجله مستقل خصوصی طنز به نام نگاه با مدیرمسئولی بصیر پاکزاد منتشر شد. همچنین، سریال‌های کمدی شیرین گل و گل‌آغا، و پسر بیوه از سریال‌هایی است که شخصیت‌های کمدی آن هنوز هم ورد زبان عام و خاص مردم افغانستان است، و در همین دوره از تلویزیون ملی افغانستان پخش شد. نکته دیگر این است که برای نخستین‌بار آزمون فکاهه‌گویی در دوره کمونیست‌ها برگزار شد که بعدها شرکت‌کنندگان این برنامه در طنزنویسی در رسانه‌های افغانستان نقش مهمی ایفا کردند. همچنین، در همین دوره طنز وارد نهادهای علمی شد. به‌طور مثال، بخش طنزنویسی در انجمن نویسندگان افغانستان ایجاد و واحد گونه‌های طنز در دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کابل تدریس شد.

همان‌طور که در بخش ظهور طنز در رسانه‌ها نگاشتیم، طنز از و در حوزه سیاست وارد رسانه‌های این کشور شد و نویسندگان و طنزپردازان افغانستان احتمالاً آن را با روحیه انقلابی و براندازی معنا می‌کنند. تاریخ‌نگاران می‌نویسند، به‌دلیل سانسور، طنز از حوزه سیاست به حوزه اجتماع انتقال یافت که به‌نظر می‌رسد روند قبلی طنز با همان هدف‌ها در حوزه اجتماع ادامه یافت. نتیجه آن در دوره نظام جمهوری اسلامی افغانستان دیده شد که به عقیده بسیاری طنز به ابتذال کشیده شده بود.

در دوره دولت اسلامی یا حکومت مجاهدان، با آنکه نشریه‌ها به نشر طنز پرداختند، طنز مانند مردم افغانستان مهاجر شد و صدای آن معمولاً غم مردم و درد مهاجرت را بازگو می‌کرد. زمانی که مجاهدان بر سر تقسیم قدرت جنگ داشتند، طالبان اول از راه رسید و مرکز قدرت افغانستان را در اختیار گرفت. با به

قدرت رسیدن طالبان، تلویزیون افغانستان تعطیل شد، و نام *رادیوی افغانستان* به *رادیوی شریعت* تغییر یافت که طالبان از آن برای اهداف ایدئولوژیکی خود استفاده می‌کرد. در این دوره محمد اکرم عثمان نشریه *زن‌بیل* غم را به‌طور پنهانی در شهر کابل به نشر می‌رساند که حاوی محتوای طنز بود. همچنین، شماری از نویسندگان مهاجر با طنزهای خود از بنیادگرایی و افراط‌گرایی طالبان اول انتقاد می‌کردند. پس از طالبان اول، نظام جمهوری اسلامی افغانستان شکل گرفت. در این دوره، با تصویب قانون اساسی جدید، برای نخستین بار انحصار رسانه‌های رادیو و تلویزیون از کنترل دولت خارج و به اتباع افغانستان اجازه داده شد تا سازمان رسانه‌ای رادیو و تلویزیون تأسیس کنند. در دو دهه نظام جمهوری اسلامی افغانستان، رسانه‌ها به‌گونه‌ای سریع رشد کردند. مهم‌ترین عوامل رشد آن‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد: حضور ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان، تصویب قانون اساسی افغانستان، تدوین و توشیح قانون رسانه‌های همگانی افغانستان، و سیاستمداران افغانستان. در این دوره بیست ساله رسانه‌های مختلفی به عرصه وجود رسیدند. نخست، رسانه‌های چاپی طنز یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف افغانستان سر برآوردند و رادیوها نیز با این قافله هم‌گام شدند. یکه‌تاز این میدان در داشتن برنامه‌های طنز، شبکه‌های تلویزیونی بود. آن‌ها از بس که شیفته پخش برنامه در قالب طنز شده بودند از این فراتر رفتند و برنامه‌های بزرگی مانند «*خنده‌بازار*» در شبکه *تلویزیون طلوع* و نیز سریال‌های طنز پخش کردند. رصد وبگاه‌ها و صفحه‌های یوتیوب این رسانه‌ها نشان می‌دهد در دو دهه گذشته، ۱۷ شبکه تلویزیونی بیش از ۴۰ برنامه در قالب طنز پخش کرده‌اند. آنچه در این زمینه مهم است شبکه‌های تلویزیونی که قبلاً بیشترین برنامه را در قالب طنز منتشر کرده بودند، حالا هم به‌نظر می‌رسد به تعداد برنامه‌های خود در این بخش افزوده‌اند.

در این دوره، محتوای طنز برنامه‌های رسانه‌ای بیشتر متمرکز بر حوزه سیاست و اجتماع بود. به‌نظر می‌رسد که طنز این دوره بیش از آنکه طنز باشد، بیشتر شوخی‌های تحقیرکننده و توهین‌آمیز بوده است، زیرا پژوهش‌های پیشین ثابت کرده است طنز در حوزه سیاست سبب بی‌اعتمادی مردم به حکومت‌ها می‌شود، مردم‌سالاری را تضعیف می‌کند و در حوزه اجتماعی، به‌ویژه در بازنمایی گروه‌های اجتماعی، از آن انتقادهای فراوانی شده است.

این پژوهش نشان می‌دهد که گونه طنز در رسانه‌های افغانستان پیشینه‌ای

طولانی دارد. در هر دوره‌ای مسئولان رسانه‌ها آن را جزء مهم برنامه‌های رسانه‌ای خود استفاده کرده‌اند. باید توجه داشت که علاوه بر این، ارتباط طنز با امر سیاسی در معنای خاص آن، مردم و فرهنگ عامه افغانستان نیز در طول تاریخ با طنز ارتباط خاص خود را برقرار کرده‌اند. بنابراین، طنز در رسانه‌های افغانستان برای مطالعه در حوزه‌های طنز و سیاست، بازنمایی گروه‌های اجتماعی، خوانش‌های فرهنگ عامه و مانند آن ظرفیت زیادی دارد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- ارزگانی ع.ک. (۱۴۰۲). «فایده طنز؛ به طنز بخندیم یا با طنز؟». *روزنامه اطلاعات* روز ۹ آبان. <https://www.etilaatroz.com/182893> (۱۰ آبان ۱۴۰۲).
- اصلانی م. (۱۴۰۰). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. ج ۲. تهران: انتشارات مروارید.
- آهنگ م.ک. (۱۳۸۸). *سیر ژورنالیسم در افغانستان*. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
- (۱۳۸۱). *طنز و فرآورده‌های ژورنالیستی*. کابل: انتشارات صبا.
- (۱۳۸۰). *تاریخ مختصر وسایل اطلاعات جمعی در افغانستان*. پشاور: اداره کتابخانه‌های سیار اریک.
- باختری م. (۱۳۸۸). *انگبین نیش خند و شرنگ نوش خند (جستاری در باب طنزپرداری در پهنه*

- ادبیات زبان و فارسی دری در افغانستان). کابل: بنیاد انتشارات پرنیان.
- برگر پ. (۱۴۰۲). *خنده‌رهایی‌بخش؛ بعد کمیک تجربه انسانی*. ترجمه عبدالله‌زاده م. تهران: نشر ثالث.
- بهزادی اندوهجودی ح. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران؛ پژوهشی در ادبیات اجتماعی، سیاسی، انتقادی. تهران: نشر صدوق.
- تبیان. (۱۳۹۵). «طنز در رسانه‌های افغانستان». ۴ خرداد. <https://article.tebyan.net/320419> (۹ آبان ۱۴۰۲).
- تنویر م. ح. (۱۳۷۸). *تاریخ و روزنامه‌نگاری افغانستان*. هالند: بخش انتشارات علمی و فرهنگی انستیتیوت تحقیقات و بازسازی افغانستان.
- جعفری ف. (۱۳۸۹). *طنز و رسانه با تأکید بر طنز رادیویی*. تهران: شبکه رادیویی فرهنگ.
- حسامی ف، نوری س. (۱۴۰۰). «بازنمایی خانواده در سریال طنز فیس‌بوک و نقد آن از منظر اسلام». *دوفصلنامه علمی و تخصصی مطالعات اجتماعی*. ۷ (۱۲): ۹۶-۱۱۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1888106>
- حمیدی رسا ک. (۱۳۹۵). *تحول رسانه‌ها*. کابل: انتشارات فرهنگ.
- خبرگزاری زنان افغانستان. (۱۳۹۹). «طنز انتقادی ف». ۲۳ دی. <https://www.afghanwomennews.com> (۹ آبان ۱۴۰۲).
- رضی‌پور پ. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی طنز (رویکردها و تئوری‌ها)*. چاپ دوم. تهران: انتشارات آرمان پژوهان.
- رهین ر. (۱۳۹۱). *تاریخ مطبوعات افغانستان (از شمس‌النهار تا جمهوریت)*. ج ۱، چ ۲. کابل: انتشارات سعید.
- زاهد م. (۱۴۰۲). «آصف جلالی؛ حقارت خفته‌ی افغانستان». *روزنامه صبح کابل*. ۱۴ دی. <https://subhekabul.com/afghanistan-asef-jalali-joke> (۲۰ دی ۱۴۰۲).
- سلیمی م. (۱۳۹۹). *حکمت طنز؛ مبانی نظری و کاربردی و جایگاه آن در رسانه*. قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه.
- صدر ر. (۱۳۹۵). *اندیشیدن با طنز، سیزده گفت‌وگو*. تهران: انتشارات مروارید.
- عصمت‌اللهی مه. (۱۳۸۲). *نظام مطبوعات افغانستان*. تهران: انتشارات بیکران.
- عطاردی ا. (۱۳۹۱). «بازنمایی تصویر زنان در برنامه‌های طنز». *نشریه مطالعات سبک زندگی*. (۱): ۵۴-۳۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1057932>.
- عمری ا. (۱۳۹۸). «نقش سراج‌الخبار در کسب استقلال افغانستان». *مجله علمی و تحقیقی پژوهش دانشگاه بغلان*. ۱۷: ۲۰۴-۲۱۷. <https://www.researchgate.net/publication/355382020>
- فارسی‌نیوز. (۱۳۹۶). «آشنایی با طنزنویسان تأثیرگذار افغانستان». ۲ خرداد. <https://www.farsnews.ir/af/news/13960302001143> (۹ آبان ۱۴۰۲).
- قادر ط. (۱۳۹۰). «از «شب‌خند» تا تله «موش»، طنز روی صحنه در رسانه‌های افغانستان». *بی‌بی‌سی فارسی*. ۱۰ شهریور. https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2011/09/110901_109 (۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۳).

- کشاورز م. (۱۴۰۲). ساکنان خانه سه طبقه جامعه‌شناسی طنز معاصر فارسی از منظر بررسی قشربندی و نابرابری اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- مارتین ر. (۱۳۹۷). درآمدی به طنزپژوهی: طنز از دیدگاه روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، ارتباطات، نشانه‌شناسی و کاربردهای آن. ترجمه مومنی ب. تهران: انتشارات تیسرا.
- مفید ج. (۱۳۹۵). «نگاهی به تاریخ طنز در افغانستان». سایت بامداد. ۳ خرداد. <https://www.bamdaad.org/ejtemaey/1879-2016-05-23-13-45-32> (۹ آبان ۱۴۰۲).
- موریل ج. (۱۳۹۹). فلسفه طنز بررسی طنز از منظر دانش، هنر و اخلاق. ترجمه فرجامی م، جعفری د. چ ۴. تهران: نشر نی.
- نادری پ. (۱۳۸۵). چگونگی رسانه‌ها در افغانستان. کابل: مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما).
- (۱۳۸۱). «پیش درآمدی بر طنزنویسی فارسی دری افغانستان». وبلاک پرتو نادری. ۷ مهر. <http://www.partawnaderi.com/Tazaha/NavishtahaiTazah/59> (۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲).
- نبوی ا. (۱۳۹۹). «قسمت اول - طنز چیست؟». روزنامه هشت صبح. ۲۷ اسفند. <https://8am.media/what-is-humor> (۱۴۰۲/۰۸/۰۹).
- نصراصفهانی ف. (۱۴۰۱). معمای خنده (جستاری در شناخت شوخی و خنده). تهران: اندیشه احسان.
- نورانی ج. (۱۳۸۸). هنر طنزپردازی. ج ۱، کابل: بنگاه انتشارات میوند.
- (۱۳۸۴). «طنز و طنزپردازی در ادبیات معاصر افغانستان». نشریه ایران نامه. ۸۵ و ۸۶: ۹۹-۱۰۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/354214>

References

- Afghan Women's News Agency. (2021). "Critical satire F". 12 January. <https://www.afghanwomennews.com/> (Accessed on: 31 October 2023). [in Persian]
- Ahang MK. (2009). *The Evolution of Journalism in Afghanistan*. Kabul: Maiwand Publishing House. [in Persian]
- (2002). *Satire and Journalistic Products*. Kabul: Saba Publications. [in Persian]
- (2001). *A Brief History of Mass Media in Afghanistan*. Peshawar: Adarah ketabkhanahae sayar erik. [in Persian]
- Arzгани AK. (2023). "The benefit of satire; Should we laugh at satire or with satire?". *Etilaat-e Roz Daily*. 31 October. <https://www.etilaatroz.com/182893> (Accessed on 1 November 2023). [in Persian]
- Aslani MR. (2021). *Dictionary of Satire Terms and Expressions*. 2nd Ed. Tehran: Morvarid Publications. [in Persian]
- Attarodi A. (2012). "Representation of women's image in satirical programs". *Journal of Lifestyle Studies*. 1(1): 37-54. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1057932> [in Persian]
- Bakhtari M. (2009). "Engabin-e Neshkhand o Sharang-e Noshkhand (A Study on Satire in the Realm of Persian Literature and Dari Language in Afghanistan)". Kabul: Parnian Publications Foundation. [in Persian]
- Behzadi Anduhjardi H. (1999). *Satire and Satire Writing in Iran: A Study in Social, Political, and Critical Literature*. Tehran: Sadough Publications. [in Persian]

- Bensaber, Y. (2020). "Humor and gender: Males and females' understanding and appreciation of humor in memes and written jokes: A case study of 3rd year students of English at Frères Mentouri Constantine 1 University". <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3716928>.
- Berger, P. (2023). *Liberating Laughter: The Comic Dimension of Human Experience*. Translated by: Abdollahzadeh M. Tehran: Nashr-e Sales. [in Persian]
- Cendra AN, Triutami TD, Bram B. (2019). "Gender stereotypes depicted in online sexist jokes". *The European Journal of Humour Research*. 7(2): 44-66. <https://doi.org/10.7592/EJHR2019.7.2.cendra>.
- Davis J, Fiadotava A. (2024). "10 humor and culture:.. In T. Ford, W. Chłopicki & G. Kuipers (Ed.). *De Gruyter Handbook of Humor Studies* (pp. 181-200). Berlin, Boston: De Gruyter. <https://doi.org/10.1515/9783110755770-011>.
- Esmatullahi MH. (2003). *The Press System of Afghanistan*. Tehran: Bikaran Publications. [In Persian]
- Farsi News. (2017). "Getting to know influential satirists of Afghanistan". 23 May. <https://www.farsnews.ir/af/news/13960302001143> (Accessed on: 31 October 2023) [in Persian]
- Graefer A, Das R. (2020). "Towards a contextual approach: Audiences, television and 'offensive' humour". *European Journal of Cultural Studies*. 23(2): 149-164. <https://doi.org/10.1177/1367549417742014>.
- Hamidi-Rasa K. (2016). *The Evolution of Media*. Kabul: Farhang Publications. [in Persian]
- Hessami F, Noori S. (2021). "Representation of family in the satirical series 'Facebook' and its critique from an Islamic Perspective". *Biannual Scientific and Specialized Journal of Social Studies*. 7(12): 96-116. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1888106/> [in Persian]
- Howe NE. (2002). "The origin of humor". *Medical Hypotheses*. 59(3): 252-254. [https://doi.org/10.1016/s0306-9877\(02\)00209-8](https://doi.org/10.1016/s0306-9877(02)00209-8).
- Jafari F. (2010). *Satire and Media with an Emphasis on Radio Satire*. Tehran: Farhang Radio Network. [in Persian]
- Keshavarz M. (2023). *Residents of the Three-Story House: Sociology of Contemporary Persian Satire from the Perspective of Social Stratification and Inequality*. Tehran: Sociologists and Methodologists Publications. [in Persian]
- Lichtenstein D, Nitsch C. (2023). "Content analysis in the research field of satire". In Oehmer-Pedrazzi F, Kessler SH, Humprecht E, Sommer K, Castro L. (eds). *Standardisierte Inhaltsanalyse in der Kommunikation swissenschaft – Standardized Content Analysis in Communication Research*. Springer VS, Wiesbaden. 277-286. https://doi.org/10.1007/978-3-658-36179-2_24.
- Lockyer S, Pickering M. (2008). "You must be joking: The sociological critique of humour and comic media". *Sociology Compass*. 2(3): 808-820. <https://doi.org/10.1111/J.1751-9020.2008.00108.X>.
- Martin R. (2018). *An Introduction to Satire Studies: Satire from the Perspectives of Psychology, Cultural Studies, Anthropology, Communication, Semiotics, and Its Applications*. Translated by: Momeni B. Tehran: Tisa Publications. [in Persian]
- Mofid H. (2016). "A look at the history of satire in afghanistan". *Bamdad Website*. 23 May. <https://www.bamdaad.org/ejtemaey/1879-2016-05-23-13-45-32>. (Accessed on: 31 October 2023). [in Persian]
- Morreall J. (2020). *The Philosophy of Humor: Examining Humor from the Perspectives of Knowledge, Art, and Ethics*. Translated by: Farjani M, Jafari D. 4th Ed. Tehran: Nashr-e Ney. [in Persian]
- Nabavi, A. (2021). "Part one – What is satire?". *8am Daily*. 17 March. <https://8am.media/what-is-humor> (Accessed on: 31 October 2023). [in Persian]
- Naderi P. (2006). *The Nature of Media in Afghanistan*. Kabul: Afghan Civil Society Complex (ACSC). [in Persian]
- (2002). "A prelude to satire writing in Afghan Persian (Dari)". *Partaw Naderi's Blog*. 29 September.

- <http://www.partawnaderi.com/Tazaha/NavishtahaiTazah/59>. (Accessed on: 30 April 2023) [in Persian]
- Nasr Esfahani F. (2022). *The Riddle of Laughter (An Inquiry into Understanding Jokes and Laughter)*. Tehran: Andisheh-e Ehsan. [in Persian]
- Nijholt A. (2018). "All the world's a stage": Incongruity humour revisited". *Ann Math Artif Intell*. 88: 405-438. <https://doi.org/10.1007/s10472-018-9609-7>.
- Norani J. (2009). *The Art of Satire Writing*. Vol 1. Kabul: Maiwand Publishing House. [in Persian]
- , (2005). "Satire and satire writing in contemporary Afghan literature". *Iran Nameh Journal*. 85-86: 99-108. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/354214>. [in Persian]
- Ödmark S. (2023). "Moral judgment and social critique in journalistic news satire". *Journalism and Media*. 4(4): 1169-1181. <https://doi.org/10.3390/journalmedia4040074>.
- Omari A. (2019). "The Role of Seraj al-Akhbar in Gaining Afghanistan's Independence". *Scientific and Research Journal Pajouhesh, Baghlan University*. 17: 204-217. <https://www.researchgate.net/publication/355382020>. [in Persian]
- Qaderi T. (2011). "From 'Shab-Khand' to 'Tala-e Muosh' satire on stage in Afghan media". *BBC Persian*. 1 September. https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2011/09/110901_109 (Accessed on: 17 May 2024) [in Persian]
- Rahin R. (2012). *History of Afghan Press (From Shams al-Nahar to the Republic)*. Vol 1, 2nd Edition. Kabul: Saeed Publications. [in Persian]
- Rezapoor, P. (2021). *Sociology of Satire (Approaches and Theories)*. 2nd Edition. Tehran: Arman Pajouhan Publications. [in Persian]
- Sadr R. (1395). *Thinking with Satire: Thirteen Conversations*. Tehran: Morvarid Publications. [in Persian]
- Salimi M. (2020). "The wisdom of satire: Theoretical and practical foundations and its place in media". *Qom: Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB), Department of Islamic Media Research*. [in Persian]
- Shrestha R, Fluri J. (2021). "Geopolitics of humour and development in Nepal and Afghanistan". In: Vanderheiden E, Mayer CH. (eds). *The Palgrave Handbook of Humour Research*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-78280-1_10.
- Skuse A. (2002). "Radio, politics and trust in Afghanistan: A social history of broadcasting". *Gazette* (Leiden, Netherlands). 64(3): 267-279. <https://doi.org/10.1177/17480485020640030401>.
- Slobin M. (1974). "Music in contemporary Afghanistan". In Dupree L, Albert L. (eds). *Afghanistan in the 1970s*. New York: Praeger. 239-48. <http://markslobin.com/articles/afghanistan-contemporary-afghan-society.pdf>.
- Strick M, Ford TE. (2021). *The Social Psychology of Humor*. (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003042440>.
- Tanwir MH. (1999). *History and Journalism of Afghanistan*. Holland: Scientific and Cultural Publications Department, Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU). [in Persian]
- Taylor JM, Raskin V. (2012). "On the transdisciplinary field of humor research". *Journal of Integrated Design and Process Science*. 16(3): 133-148. <https://doi.org/10.3233/jid-2012-0017>.
- Tebyān. (2016). "Satire in Afghan media". 24 May. date: 9 Aban 1402, from <https://article.tebyan.net/320419> (Accessed on: 31 October 2023). [in Persian]
- Venkatesan S, Iyer KG, Yashodhara-Kumar GY. (2023). "Ethnic humor: The role of culture in mirth, comedy, and laughter". *International Journal of Indian Psychology*. 11(3): 3073-3084. <http://dx.doi.org/10.25215/1103.291>.
- Zahed M. (2020). "Asef Jalali: The hidden humiliation of Afghanistan". *Sobh-e Kabul Daily*. 4 January. <https://subhekabul.com/afghanistan-asef-jalali-joke> (Accessed on: 10 January 2024). [in Persian]